

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## هفته‌نامه مطالعات راهبردی سیبل



مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور

تنظیم و صفحه‌آرا: مرضیه روشن‌روان

شماره نشریه: 148

تاریخ انتشار: 14 دی 1399

تعداد صفحات: 34 صفحه



## دلایل و پیامدهای عادی سازی روابط مغرب با رژیم صهیونیستی

### رویداد

مغرب ششمین کشور عربی<sup>۱</sup> است که روز پنجشنبه ۲۰ آذر ۱۳۹۹ روابط خود را با رژیم صهیونیستی آشکار کرد. با اینکه پادشاهی مغرب، محمد ششم، مدعی است تماس‌های دوجانبه رسمی و روابط دیپلماتیک رباط-تل‌آویو خللی در حمایت مغرب از آرمان فلسطین وارد نخواهد کرد، اما این اقدام پیامدهای منفی به دنبال خواهد داشت؛ زیرا با مشروعیت بخشیدن به سیاست‌های تل‌آویو، ایدئولوژی ضد صهیونیستی در افکار عمومی مردم مغرب تضعیف خواهد شد. در واقع روی دیگر این عادی سازی تعمیق و تقویت استبداد رژیم صهیونیستی است؛ از این رو حقوق فلسطینی‌ها و وجه‌المصالحه روند سازش با کشورهای عربی قرار خواهد گرفت.

در این یادداشت به انگیزه‌های مغرب و دلایل و پیامدهای عادی سازی روابط این کشور با رژیم صهیونیستی خواهیم پرداخت.

### تحلیل رویداد

هر چند مقامات واشنگتن و رباط سعی دارند اعلام حاکمیت مغرب بر صحرای غربی و قول سرمایه‌گذاری‌های آمریکا در مغرب<sup>۲</sup> را با سازش صورت گرفته اخیر مرتبط ندانند، اما کارشناسان و تحلیلگران سیاسی این دو موضوع را تافته‌های جدا بافته از هم نمی‌دانند و معتقدند پادشاهی مغرب پشت درهای بسته پذیرفته است در ازای موافقت مغرب برای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی، آمریکا حاکمیت این کشور بر صحرای غربی را به رسمیت بشناسد.

قبل از پرداختن به دلایل و پیامدهای سازش میان مغرب و رژیم صهیونیستی، باید به نقش و میانجی‌گری عربستان و امارات در تسریع دومینوی عادی سازی اشاره کنیم.

۱. نقش عربستان و امارات در عادی سازی روابط مغرب با رژیم صهیونیستی: محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، که کاخ‌های مجللی در رباط دارد، با محمد ششم، پادشاه مغرب، رایزنی و تلاش کرد او را برای برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی مجاب کند.<sup>۳</sup>

۱. کشورهای مصر (۱۹۷۹)، اردن (۱۹۹۴)، امارات، بحرین و سودان (۲۰۲۰) قبل از مغرب روابط خود را با رژیم صهیونیستی عادی سازی کردند.

۲. واشنگتن متعهد شده است سرمایه‌گذاری‌های سه میلیارد دلاری در مغرب را طی سه سال انجام دهد.

۳. طاقم تایمز، «السعودیه لعبت دورا في اتفاق التطبيع»، ۱۳/۱۰/۲۰۲۰، <https://ar.timesofisrael.com>.



پس از اعلام عادی سازی روابط سودان با رژیم صهیونیستی، ابوظبی تصمیم گرفت کنسولگری در صحرای غربی تأسیس کند<sup>۱</sup> و به دنبال آن مذاکراتی را برای ترغیب پادشاه مغرب با هدف عادی سازی روابط با رژیم اشغالگر آغاز کرد و مدعی شد حکومت مغرب بر صحرای غربی فقط از طریق عادی سازی با تل آویو ممکن خواهد شد؛<sup>۲</sup> بنابراین امارات متحده نیز نقش ملموسی در برقراری سازش داشته است.

دکتر ادريس عطيه نیز درباره نقش امارات در عادی سازی مغرب گفت: «ابوظبی در حال حاضر نقش میانجی گری را ایفا می کند تا کشورهای عربی و خلیج فارس را متقاعد سازد که نزدیک تر شدن به اسرائیل، خدمات سیاسی و اقتصادی برای آن کشورها خواهد داشت و منافع شان را تضمین خواهد کرد؛ در حالی که اسرائیلی ها فقط به دنبال نفوذ در منطقه و نابودی کشورهای مسلمان هستند».<sup>۳</sup>

## ۲. دلایل رژیم صهیونیستی برای عادی سازی

**الف) بهره گیری از منابع طبیعی:** وجود منابع طبیعی عظیم در مغرب یکی از انگیزه های رژیم صهیونیستی برای برقراری روابط با این کشور است. «ذخایر فسفات در منطقه بوکراع واقع در ۱۰۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر العیون در صحرای غربی، ۱۰ میلیارد تن تخمین زده می شود که ۲۸/۵ درصد فسفات جهان را تشکیل می دهد و خلوص آن بین ۷۲ تا ۷۵ درصد است. در این منطقه مواد معدنی دیگری مثل مس، منگنز، آهن، سنگ مرمر و... نیز وجود دارد. منابع آبزیان<sup>۴</sup> در منطقه مغرب و صحرای غربی نیز از جمله منابع طبیعی است که می تواند انگیزه ایجاد روابط با این کشور را برای رژیم صهیونیستی افزایش دهد. براساس برخی مطالعات، ذخایر درخور توجهی از نفت و گاز نیز در سواحل صحرای غربی وجود دارد».<sup>۵</sup>

**ب) اهداف سیاسی:** پیوستن کشورهای عربی به قطار عادی سازی برای رژیم صهیونیستی صرفاً بعد رسمی دارد نه مردمی. در حقیقت این رژیم می خواهد سدی در برابر احقاق حقوق فلسطینی ها میان جهان عرب ایجاد کند و عملاً تشکیل کشور فلسطینی بر اساس قطعنامه های سازمان ملل را کان لم یکن سازد.

**ج) راه اندازی پرواز مستقیم تل آویو- رباط:** هواپیمایی اسرائیلی ال عال<sup>۶</sup> گفته است پس از اعلام

۱. مقرر شد کنسولگری امارات در العیون، بزرگترین شهر صحرای غربی؛ آغاز به کار کند.

۲. اشرف کمال، «بجهود اماراتیه.. المغرب يلتحق بقطار التطبيع مع إسرائيل»، ۲۰۲۰/۱۲/۱۰،

<https://alkhaleejonline.net>.

۳. همان.

۴. سالانه حدود یک میلیون تن ماهی صید می شود بدون اینکه بر تعادل بیولوژیکی تأثیر منفی بگذارد.

۵. عائد عمیره، «الصحرَاء مقابل الاعتراف.. ما دلالات التطبيع المغربي؟»، ۲۰۲۰/۱۲/۱۱،

<https://www.noonpost.com>

6. EL AL Airlines





توافق عادی سازی، امکان انجام پروازهای مستقیم بین تل آویو و رباط را بررسی خواهد کرد، چون چنین سفرهایی با استقبال اسرائیلی‌ها مواجه خواهد شد.<sup>۱</sup> از آنجا که تعداد یهودیان با اصالت مغربی به بیش از ۷۰۰ هزار نفر می‌رسد و حدود ۶ هزار یهودی هم در مغرب زندگی می‌کنند، راه‌اندازی پرواز مستقیم میان دو طرف یکی از اهداف این عادی سازی است.

### ۳. دلایل مغرب برای عادی سازی

**الف) حاکمیت بر صحرای غربی:** هم اکنون نزاع بر سر این منطقه پرمناقشه‌ترین مسئله در شمال آفریقا است. سازمان ملل حاکمیت مغرب یا جبهه پولیساریو را به رسمیت نمی‌شناسد؛ البته این جبهه را به عنوان طرف مذاکره‌کننده پذیرفته است. موافقت اخیر آمریکا با شناسایی حاکمیت مغرب بر صحرای غربی، چیزی بود که پادشاه مغرب را برای چراغ سبز نشان دادن به توافق با رژیم صهیونیستی مجاب کرده است و در حقیقت هزینه به رسمیت شناختن حاکمیت مغرب بر صحرا به معنای تسلیم شدن در برابر باج‌خواهی است.

**ب) افتتاح کنسولگری و جذب سرمایه‌گذاری:** در دو دهه اخیر مغرب تلاش کرده است با ترغیب کشورها به افتتاح کنسولگری و سرمایه‌گذاری در بخش تحت کنترل خود در صحرای غربی به نوعی سرنوشت سیاسی این منطقه را به منافع اقتصادی کشورهای دیگر گره بزند و از طریق این اهرم، در آینده آنها را به اتخاذ مواضعی همسو با سیاست رباط در قبال صحرای غربی وادارد. اعلان ترامپ مبنی بر «تأسیس کنسولگری در شهر الداخله در صحرای غربی برای انجام امور اقتصادی<sup>۲</sup>» در این راستا قابل ارزیابی است.

**ج) خرید هواپیماهای بدون سرنشین پیشرفته MQ-9B:** بعد از خبر عادی سازی روابط میان تل آویو و رباط، آمریکا متعهد شد چهار فروند پهپاد پیشرفته تهاجمی «MQ-9B» را در اختیار این کشور قرار دهد.<sup>۳</sup>

**د) ارتباط تجاری با رژیم صهیونیستی:** شرکت‌های مغرب قبل از سازش، با اسرائیلی‌ها ارتباط تجاری داشتند.<sup>۴</sup> حجم مبادلات تجاری از مبادی غیررسمی<sup>۵</sup> بین تل آویو و رباط در سه سال گذشته تقریباً ۶۳ میلیون دلار بوده است.<sup>۶</sup> اکنون که این روابط ننگین میان مغرب و رژیم

۱. اسکای نیوز عربیه، «بحث تسیر رحلات جویه مباشره بین المغرب و اسرائیل»، ۲۰۲۰/۱۲/۱۰.

۲. الجزیره، «واشنگتن تعترف بسباده الرباط علی الصحراء الغربیه.. ترامب یعلن تطبیع علاقات المغرب مع اسرائیل»، ۲۰۲۰/۱۲/۱۰: <https://www.aljazeera.net>

۳. عربی ۲۱، «بعد التطبیع مع الاحتلال.. صفقه طائرات امریکیه محتمله للمغرب»، ۲۰۲۰/۱۲/۱۱، <https://arabi21.com>.

۴. عاند عمیره، «الصحراء مقابل الاعتراف.. ما دلالات التطبیع المغربی؟»، ۲۰۲۰/۱۲/۱۱، <https://www.noonpost.com>.

۵. مبادلات از طریق شرکت‌های واسطه مستقر در کشورهای اروپایی صورت می‌گیرد.

۶. محمد لدیب، «الصادرات المغربیه تنعش المبادلات التجاریه بین تل آیب و الرباط»، ۲۰۲۰/۰۱/۲۳، <https://www.hespress.com>.





صهیونیستی علنی شده است به راحتی و بدون واسطه این مبادلات تجاری صورت خواهد گرفت.  
۴. پیامدهای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی: عادی‌سازی همه جوانب را دربر خواهد گرفت زیرا رژیم

صهیونیستی در امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ورزشی مغرب ورود پیدا خواهد کرد.  
**(الف) واکنش مغربی‌ها به اقدام خائنانه حکومت‌شان:** عادی شدن روابط برای حل و فصل بحران‌ها و اتمام خون‌ریزی‌ها برای هر جامعه و دولتی امری پسندیده است؛ اما با عادی‌سازی روابط میان دول عربی و رژیم صهیونیستی، بحران هفتاد ساله به نام منازعه فلسطین نه تنها حل نشده، بلکه به تداوم زیاده‌خواهی و ادامه مصادره و تصرف سرزمین فلسطینی‌ها انجامیده است؛ بنابراین مغربی‌های آگاه به این قضیه در برابر این سازش واکنش نشان دادند و عادی‌سازی را خیانت قلمداد کردند.

**(ب) احتمال برکناری مغرب از ریاست کمیته قدس:** واکنش‌های مردمی و منطقه‌ای به سازش مغرب ممکن است تا جایی پیش برود که ریاست کمیته قدس را از مغرب<sup>۱</sup> بگیرند.

**(ج) محدود شدن روابط دیپلماتیک الجزایر با مغرب:** با اینکه رئیس‌جمهور الجزایر به دنبال تنش‌زدایی در مناسبات با رباط بود، اما این اقدام مغرب ممکن است موجب کاهش سطح روابط الجزایر و مغرب شود.

**(د) تشدید درگیری‌ها در صحرای غربی:** باج‌خواهی پادشاه مغرب برای عادی‌سازی روابط با تل‌آویو در مقابل به رسمیت شناختن حاکمیت مغرب بر صحرای غربی، موجب شده است تا «جبهه پولیساریو» به شدت در مقابل این اقدام مغرب موضع‌گیری کند و در آینده ممکن است شاهد افزایش درگیری‌های در این منطقه باشیم.

**(ه) تسریع دومینوی عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با اسرائیل:** سازش رباط با تل‌آویو دومینوی عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با اسرائیل را تسریع خواهد بخشید.

**(و) شکاف در جهان اسلام:** اقدام کشورهای عرب در به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی باعث شکاف در جهان اسلام و میان کشورهای عرب و غیر عرب شده و موضع شورای همکاری را در قبال مسئله فلسطین تضعیف کرده است. در نتیجه کشورهای عضو شورای همکاری در جهان اسلام منزوی و نیروهای آمریکایی و اسرائیلی بر منابع نفتی آنها مسلط خواهند شد. ثروت نفتی آنها برای تأمین هزینه این سلطه‌گری هزینه خواهد شد و این کشورها در غفلت به سر می‌برند.<sup>۲</sup>



۱. مغرب رئیس دائمی کمیته قدس سازمان کنفرانس اسلامی (O.I.C) است.

2. Imran Malik, "Recognising Israel", The Nation, 13/12/2020, [WWW.NATION.COM.PK](http://WWW.NATION.COM.PK).

## نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد، عربستان و امارات در سازش اخیر که میان مغرب و رژیم صهیونیستی صورت گرفت، نقش چشم‌گیری داشتند و پادشاه مغرب در مقابل به رسمیت شناختن آمریکا و رژیم صهیونیستی بر حق حاکمیت مغرب در منطقه صحرای غربی، روابط خود را با این رژیم علنی کرد که در صورت تحقق آن جبهه پولیساریو مشروعیت خود را در صحرای غربی از دست خواهد داد و این فرصت برای ارتش مغرب فراهم خواهد شد تا با دست باز و بدون نگرانی از واکنش‌های محتمل بین‌المللی وارد این منطقه شود.

انتظار می‌رود در صورت شناسایی حق حاکمیت مغرب بر صحرای غربی توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی، برخی کشورهای متحد این دو و برخی کشورهای مردد نیز حاکمیت مغرب را به رسمیت بشناسند.







## اقدامات ایدئولوژیک عربستان در شاخ آفریقا

### رویداد

عربستان سعودی یکی از بازیگران منطقه‌ای فعال در کشورهای شاخ آفریقا است که به نظر می‌رسد در کنار پیگیری اهداف سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی خود، ایدئولوژی و تفکر وهابیت را نیز به صورت جدی و پررنگ در این منطقه ترویج می‌کند. سفیر عربستان سعودی در جیبوتی<sup>۱</sup> روز دوشنبه یکم دی ۱۳۹۹ در دیداری با وزیر امور اسلامی، فرهنگ و اوقاف جیبوتی<sup>۲</sup> به روابط دوجانبه در زمینه‌های مذهبی و فرهنگی پرداخت. حال تحلیلگران سیاسی به دنبال پاسخگویی به این پرسش هستند که چه رابطه‌ای میان دیپلماسی مذهبی عربستان با کشورهای شاخ آفریقا وجود دارد؟ بنابراین در این یادداشت به بررسی اقدامات ایدئولوژیک عربستان سعودی در کشورهای شاخ آفریقا خواهیم پرداخت.

### تحلیل رویداد

منطقه شاخ آفریقا به علت نزدیکی به یمن و کشورهای خلیج فارس، از دیرباز مورد علاقه وهابیت بوده و تبلیغات زیادی نیز در این منطقه صورت گرفته است. وضعیت افکار عمومی و نگاه ملت‌های شاخ آفریقا به غرب در کنار رشد اندیشه‌های سلفی- وهابی در این منطقه، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم سیاست‌های کشورهای شاخ آفریقا را پرنوسان و متمایل به محور عربی و غربی کرده است.

برخی اقدامات رژیم عربستان سعودی در کشورهای شاخ آفریقا عبارت‌اند از: تأسیس و تأمین مالی مدارس قرآنی رایگان برای کودکان و پرداخت حقوق رهبران مذهبی در کشورهای شاخ آفریقا، ایجاد بنیادهای خصوصی با منابع مالی عظیم، راه‌اندازی سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در امور انسان‌دوستانه، تدوین نظام اعطای بورسیه برای جذب بهترین دانش‌آموزان مدارس مذهبی شاخ آفریقا در دانشگاه‌های عربستان، سرمایه‌گذاری در رسانه‌های جمعی و ...

علمای وهابی موتور محرکه اقدامات ایدئولوژیک آل سعود هستند که برای بسط و گسترش ایدئولوژی وهابی با صرف هزینه‌های گزاف<sup>۳</sup> سعی دارند فعالیت‌های مذهبی خود را خارج از مرزها افزایش دهند و از آنجا که غالب مردم منطقه شاخ آفریقا مسلمان هستند، نفوذ در ابعاد و

۱. عبدالعزیز بن عبدالله آل مطر، سفیر عربستان در جیبوتی

۲. مؤمن حسن بری، وزیر امور اسلامی فرهنگ و اوقاف جیبوتی

۳. هزینه‌هایی که عربستان صرف این‌گونه اقدامات خود می‌کند کمتر از هزینه‌های تسلیحاتی این کشور نیست.



سطوح گوناگون فرهنگی در دستور کار علمای آل سعود قرار گرفته است. برای بررسی اقدامات ایدئولوژیک عربستان در ابتدا باید دلایل ترویج ایدئولوژی وهابیت در این منطقه مورد تحلیل قرار بگیرد.

### الف) دلایل ترویج ایدئولوژی وهابیت در منطقه شاخ آفریقا

۱. رقابت و جلوگیری از گسترش ایدئولوژی مقاومت اسلامی: ترویج ایدئولوژی وهابیت تا حدود زیادی تحت تأثیر تحولات و جریان‌های منطقه‌ای و در رقابت با کشورهای دیگری است که آنها را تهدیدی برای ایدئولوژی خود می‌داند که بارزترین آنها کشورهای محور مقاومت اسلامی هستند. به عبارت دیگر رژیم آل سعود با دیپلماسی مذهبی وارد منطقه شاخ آفریقا شده است تا از گسترش اندیشه مقاومت و حوثی‌های یمن در این منطقه جلوگیری کند.

۲. وجود کانون‌های مذهبی - ایدئولوژیکی: منطقه شاخ آفریقا به دلایل ژئوپلیتیکی و وجود کانون‌های مذهبی - ایدئولوژیکی مورد توجه بازیگران است. حضور مادی و ایدئولوژی وهابیت در منطقه شاخ آفریقا به ظهور جریان‌های سلفی - جهادی انجامیده است تا جایی که سیاست‌های کشورهای شاخ آفریقا را بر نوسان و متمایل به محور عربی و غربی کرده است؛ بنابراین نباید از نقش آل سعود در وقوع و جهت‌گیری تحولات این منطقه غافل شویم.

۳. جلوگیری از گسترش مسیحیت: از گذشته در منطقه شاخ آفریقا شاهد کشمکش‌هایی برای گسترش جریان‌های مذهبی مسیحی و تفکرات غربی و همچنین جریان‌های سلفی - وهابی بوده‌ایم؛ بنابراین عربستان به دنبال ترویج وهابیت است تا ایدئولوژی وهابیت، گفتمان غالب در این منطقه شود.

۴. مجاورت جغرافیایی و دولت‌های ضعیف: مجاورت جغرافیایی و قرابت‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی بین آفریقای شرقی و شبه جزیره عربستان، آفریقای شرقی را مستعد نفوذ فعالان رادیکال و ایدئولوژی وهابی - سلفی کرده است.<sup>۱</sup> علاوه بر آنچه ذکر شد، به گفته کارشناسان، وجود دولت‌های ضعیف و ورشکسته در این منطقه موجب ترویج بیشتر اندیشه وهابیت شده است.

### ب) اقدامات ایدئولوژیک عربستان سعودی در منطقه شاخ آفریقا

می‌توان اقدامات ایدئولوژیک عربستان در این منطقه را به شرح زیر برشمرد:

۱. ایدئولوژی حساسیت‌نا: عربستان با کوبیدن بر طبل ایران‌هراسی و ایجاد شبهه در مورد نقش آفرینی ایران در یمن، جبهه کشورهای شاخ آفریقا را هر چه بیشتر در مقابل ایران و محور مقاومت قرار داده است.



1. Gabriel R. Warburg, "The Muslim Brotherhood in Sudan: From Reforms to Radicalism," The Project for Research of Islamist Movements (PRISM), GLORIA Center, August 2006.



۲. **دیپلماسی مذهبی:** ورود مباحث دینی و مذهبی به عرصه روابط بین الملل در چارچوب دیپلماسی فرهنگی یکی از تحولات جدی چند دهه اخیر است. مجموعه‌ای از عوامل مانند قرار گرفتن مکه و مدینه در قلمرو عربستان، زمینه‌های تاریخی و همچنین انگیزه‌های سیاسی سعودی‌ها موجب اهمیت یافتن دین در رفتار دیپلماسی فرهنگی عربستان سعودی شده است؛<sup>۱</sup> به طوری که بزرگ‌ترین مراکز ترویج اندیشه سلفی‌گری در منطقه شاخ آفریقا، به عنوان بازوی دیپلماسی فرهنگی عربستان سعودی، نقشی اساسی ایفا می‌کنند. از جمله این مراکز عبارت‌اند از:

- **مؤسسه خیریه حرمین:**<sup>۲</sup> این مؤسسه وابسته به عربستان سعودی در کشورهای سومالی و اتیوپی به ساخت مسجد و مدارس قرآنی می‌پردازد.<sup>۳</sup> این مؤسسه، تبلیغات اسلامی و نشر علوم شرعی را بالاترین هدف خود می‌داند و هر گونه کمک‌رسانی و امداد را برای وصول به این مقصود، انجام می‌دهد.

- **مجمع جهانی جوانان مسلمان:**<sup>۴</sup> این نهاد از طریق بانک توسعه اسلامی و امی برای حمایت مالی از دانشجویان جوان کم‌درآمد، در سراسر سومالی فعال کرده است. همچنین این مجمع کتاب‌های درسی را برای دانش‌آموزان سومالی تألیف می‌کند.<sup>۵</sup> مجمع جهانی جوانان مسلمان در جیبوتی نیز فعال است و علاوه بر کمک‌های بهداشتی و مقابله با ویروس کرونا، از پناهندگان یمنی نیز پشتیبانی و به آنها امداد رسانی می‌کند. پادشاهی عربستان با پوشش رسانه‌ای از حمایت‌ها و پشتیبانی که از پناهندگان یمنی در جیبوتی ارائه می‌دهد به دنبال این است که وجهه خود را در اذهان عمومی بهبود بخشد.

۳. **دیپلماسی مساجد:** آل سعود برای تقویت نفوذ و افزایش قدرت نرم خود، سرمایه‌های هنگفتی را به ساخت مساجد در کشورهای مختلف دنیا اختصاص می‌دهد. این رویکرد موجب شکل‌گیری دیپلماسی جدید موسوم به «دیپلماسی مساجد» شده است. عربستان سعودی برخلاف ترکیه که مسجد بزرگی<sup>۶</sup> در جیبوتی ساخته، ترجیح می‌دهد چندین مسجد کوچک در سراسر این کشور ایجاد کند.<sup>۷</sup> این اقدام هوشمندانه و ایدئولوژیک عربستان یعنی احداث مساجد در همه مناطق کشور موجب خواهد شد ایدئولوژی و هابیت بر همه قشرهای مردم در نواحی محروم و دور از شهر نیز تأثیرگذار باشد.

۱. محمدحسن شیخ‌الاسلامی و حمید سرادا، «الگوی مذهبی در دیپلماسی فرهنگی عربستان: موردکاوی سازمان رابطه العالم الاسلامی»، دوره ۲، ش ۴، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳.

2. Al-Haramain Al-Haramain Islamic Foundation

3. Angel Rabasa, "Radical Islam in East Africa, United States", Project Air Force, 2009 p:45, available from [www.rand.org](http://www.rand.org)

۴. الندوه العالمیه للشباب الاسلامی

5. Angel Rabasa, Ibid.

۶. ترکیه مسجد عبدالحمید دوم را در سال ۱۳۹۸ در کشور جیبوتی بنا کرد.

7. Hugo Lacomre, "Djibouti L'Arabie saoudite déploie sa diplomatie religieuse", available from <https://orientxxi.info>





در مناطق حاشیه‌نشین منطقه بالبالا، خانواده‌ها معمولاً برای آموزش فرزندان خود مدارس قرآنی را انتخاب می‌کنند. به طور کلی عربستان سعودی میزان بودجه برای ایجاد امکانات در آفریقای شرقی و به طور خاص در جیبوتی را افزایش داده است. دانش‌آموزان جیبوتی هر چه بیشتر با هویت فرهنگی و مذهبی آل سعود آشنا شوند، احساس تعلق بیشتری به وهابیت پیدا خواهند کرد. «مسجد کنسولگری عربستان» که سال ۱۳۹۵ در جیبوتی افتتاح شد، برای هزار نمازگزار گنجایش دارد. این مسجد یکی از سرمایه‌گذاری بزرگ آل سعود به شمار می‌آید.<sup>۱</sup>

طی ۳۰ سال گذشته، در اتیوپی مساجد بسیاری ساخته شده، مسلمانان صاحب کسب و کار شده‌اند و گرایش‌های افراطی با محوریت عربستان سعودی و تعالیم وهابیت نیز در این کشور افزایش یافته است. در واقع رشد وهابیت یکی از تهدیدهای بزرگی است که متوجه این کشور شده است و عربستان سعودی نیز آن را پشتیبانی می‌کند.

از اوایل قرن بیستم، وهابیت با حمایت از ساخت و ساز مساجد، مدارس قرآنی و امروزه نیز با پروژه‌های مختلف دولتی و بشردوستانه به کشورهای شاخ آفریقا نفوذ کرده است.<sup>۲</sup>

۴. تماس با شخصیت‌های دینی: پس از جنگ داخلی (۱۹۹۱-۱۹۹۴) در جیبوتی که عمدتاً به دلایل قومی بود، اسلام به نمادی از وحدت ملی تبدیل شد و دولت وقت توانست با تأکید بر اسلام بر جنگ داخلی فائق آید. از آن پس زمینه ورود کشورهای عربستان سعودی، ترکیه و کویت آسان‌تر شد به گونه‌ای که توانستند با مراجع دینی جیبوتی در تماس مستقیم باشند.<sup>۳</sup>

وزیر امور اسلامی، فرهنگ و اوقاف جیبوتی، مؤمن حسن بری، از سال ۱۳۹۶ تفاهم‌نامه همکاری با طرف سعودی امضا کرده است و طرفین به تقویت همکاری در زمینه مذهبی متعهد شدند. شیخ عبدالعزیز بن عبدالله آل‌الشیخ، رئیس شورای بزرگان علما و مفتی اعظم سعودی، با وزیر حسن بری دیدار و بر اهمیت دیدار علما و شخصیت‌های جهان اسلام با هدف مشورت و همکاری فی‌مابین تأکید کرده است.<sup>۴</sup>

## نتیجه‌گیری

1. Hugo Lacomre, "Djibouti L'Arabie saoudite déploie sa diplomatie religieuse", available from <https://orientxxi.info>
2. Desta Heliso, "Ethiopia's Increasing Vulnerability to Islamic Extremism and What that Means for The Horn of Africa", 17/11/2020, Religion Unplugged, <https://religionunplugged.com>
3. Hugo Lacomre, "Djibouti L'Arabie saoudite déploie sa diplomatie religieuse", available from <https://orientxxi.info>
۴. وكالة الأنباء السعودية، سفیر المملكة لدى جیبوتی يلتقي بوزير الشؤون الإسلامية والثقافة والأوقاف الجیبوتی، <https://www.spa.gov.sa> : ۲۰۲۰/۱۲/۲۱





عربستان سعودی برای نفوذ در عرصه فرهنگی و تأثیرگذاری و اعمال اراده خود در این منطقه حضور فعال و نقش آفرینی را در برنامه راهبردی کوتاه مدت و بلندمدت خود قرار داده است. این کشور با تأکید و اعتقاد به تفکر وهابیت و با صرف هزینه های مالی در چارچوب آموزشی، و حمایت از گروه های وهابی در تلاش برای ترویج ایدئولوژی وهابیت در کشورهای شاخ آفریقا است. عربستان سعودی درصدد است امواج انقلابی را از منطقه شاخ آفریقا دور سازد و از سوی دیگر، با ایجاد بی ثباتی در این مناطق آنها را تضعیف کند و موازنه قوا را به زیان محور مقاومت اسلامی و به سود خود و متحدانش تغییر دهد.





## بازتاب حمله سایبری به دولت آمریکا در رسانه‌های غربی

### رویداد

در روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه برابر ۲۶ و ۲۷ آذر ۱۳۹۹ اخباری مبنی بر هک و حمله سایبری به سیستم‌های امنیتی آمریکا و تأسیسات هسته‌ای و نظامی این کشور منتشر شد. پس از گمانه‌های متفاوت رسانه‌ای، مشخص شد آغاز این حمله و نفوذ از اسفند ۱۳۹۸ بوده است، اما سیستم‌های امنیتی سایبری این کشور و متحدانش در روزهای اخیر متوجه این رخنه اطلاعاتی شده‌اند. در این راستا رسانه‌های غربی دیدگاه‌های متفاوت را بازنشر و ارائه کردند. در این نوشتار در تلاش هستیم ضمن بازتاب این گزارش‌ها، تحلیلی در این زمینه ارائه کنیم.

### تحلیل رویداد

در عصر حاضر جنگ سایبری به جنگ‌افزایی پر قدرت برای استیلا بر کشورها تبدیل شده است. تهدیدهای امنیتی کنونی به سمت تهدیدهای نرم سوق پیدا کرده است که به دلیل کم‌هزینه بودن، تأثیر بر عوامل نرم‌افزاری حوزه اقتدار ملی، عدم استفاده از روش‌های خشونت‌آمیز و... بیش از پیش مد نظر طراحان آن قرار گرفته است. نقطه مشترک همه این تهدیدها، تحمیل اراده بر نیروی مقابل است. جنگ سایبری امروز مؤثرترین، کارآمدترین و در عین حال خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین نوع تهدید علیه امنیت ملی یک کشور است، چون می‌توان با کمترین هزینه و با حذف لشکرکشی و از بین بردن مقاومت‌های فیزیکی، به هدف رسید.

در همین ارتباط در بهار ۱۳۹۹ روی صفحه نمایش کارکنان بخش فناوری اطلاعات آمریکا صفحه‌ای ظاهر شد که آنها را دعوت می‌کرد نرم‌افزار پرطرفدار سولار ویندز<sup>۱</sup> را به روزرسانی کنند. ۱۸ هزار کارمند در شرکت‌ها و دولت‌های مختلف با جدیت آن را برای دفاتر خود دانلود کردند بی‌خبر از اینکه فایل دانلودشده، یک تله‌انفجاری است. پس از گذشت ماه‌ها از این رخداد، مشخص شد این

---

۱. شرکت سولار ویندز (Solar Winds)، یکی از تولیدکنندگان بزرگ نرم‌افزارهای مدیریت و نظارت در حوزه فناوری اطلاعات است. این شرکت در سال ۱۹۹۹ تأسیس شده است و هزاران مشتری در سراسر جهان دارد. شرکت سولار ویندز با شعار مشتری‌مداری توانسته است با رفع موانع موجود، موجب کاهش هزینه و پیچیدگی نرم‌افزارهای مانیتورینگ شود. این شرکت، نرم‌افزار مانیتورینگ خود به نام Orion را همراه ماژول‌های مختلف برای مانیتورینگ بخش‌های متفاوت در حوزه فناوری اطلاعات معرفی و ارائه کرده است. محصولات سولار ویندز که از بنام‌ترین محصولات مدیریت و مانیتورینگ شبکه محسوب می‌شوند شامل مدیریت سرورها و برنامه‌های کاربردی، مدیریت شبکه، امنیت و لوگوها، مدیریت سیستم‌های ذخیره‌سازی و ساختار مجازی و همین‌طور مدیریت پهنای باند و کنترل ایستگاه‌های کاری از راه دور است.



شرکت آمریکایی چند هفته پیش، قربانی یک حمله سایبری شده است. در این حمله، هکرها یک کد سری کوچک را به فایل به روزرسانی نرم افزار این شرکت وارد کردند. این عامل قدرتمند دیجیتال، بعد از چند هفته خاموشی، در هزاران شبکه کامپیوتری متعلق به دولت‌ها و سازمان‌های فناوری و مخابراتی در سراسر آمریکای شمالی، اروپا، آسیا و خاورمیانه ناگهان فعال شد. سپس در حالی که تا آن زمان هیچ‌کس از وجودش خبری نداشت، از طریق اینترنت با خانه تماس گرفت تا به سازندگان خود خبر دهد که داخل محل مد نظر است و آنها نیز می‌توانند وارد خانه شوند.

هکرها که به احتمال زیاد یک گروه نظامی ملی سایبری هستند، چندین ماه فرصت داشتند تا در شبکه‌های کامپیوتری هزاران سازمان مختلف گشت بزنند و اطلاعات آنها را به سرقت ببرند. مهم‌ترین قربانی این حمله سایبری تا کنون دولت آمریکا بوده که احتمالاً هدف اصلی هکرها هم بوده است. بنا بر گزارش‌ها، چندین نهاد مختلف دولتی از جمله اداره ملی مخابرات و اطلاعات، سازمان امنیت هسته‌ای آمریکا، وزارت دفاع پنتاگون، وزارت خارجه، وزارت خزانه‌داری، وزارت بازرگانی یا تجارت، وزارت انرژی و وزارت امنیت داخلی آمریکا هدف این حمله قرار گرفته‌اند.

پس از رونمایی از این رخنه اطلاعاتی در سازمان‌های مهم آمریکا، سازمان‌های دولتی و خصوصی در سراسر جهان برای غیرفعال کردن محصولات آلوده به ویروس سولار ویندوز در سیستم‌های خود به سختی تلاش کردند. محققان که نام «سانبرست» را روی این هک گذاشته‌اند، می‌گویند شناخت این ویروس که یکی از حملات سایبری بزرگ تاریخ بوده است، می‌تواند سال‌ها به طول بینجامد. با این حال، برایان لورد، نایب رئیس سابق سازمان امنیت سایبری بریتانیا، معتقد است: «نگران‌کننده‌ترین مسئله»، تاکتیک اصلی هکرها برای نفوذ است. از سوی دیگر این حمله از جنبه اطلاعات ملی هم بسیار نگران‌کننده است. بازتاب رسانه‌های غربی در قبال این حادثه متفاوت بوده است که در زیر به شرح آن می‌پردازیم:

به گزارش رویترز، هکرها ایمیل‌های مقامات وزارت داخلی آمریکا در رابطه با امنیت مرزی و مبارزه با حملات سایبری را زیر نظر داشته‌اند.<sup>1</sup>

طبق گزارش روزنامه نیویورک تایمز، مقامات فدرال هشدار داده‌اند هک‌هایی که توانسته‌اند نفوذهای عمیقی به سیستم‌های دولت آمریکا انجام دهند از بدافزارها و فنون‌های دیگری نسبت به آنچه در ابتدا تصور می‌شده برای پیشبرد این حملات استفاده کرده‌اند. وزارت امنیت داخلی آمریکا که این هشدار را صادر کرده به جزئیات بیشتری در این زمینه اشاره نکرده است. نیویورک تایمز نوشته است هشدار وزارت امنیت داخلی آمریکا مؤید نگرانی‌هایی است که پیش از این شرکت «فایر‌آی» (یک شرکت فعال در زمینه امنیت سایبری) مطرح کرده بود. این شرکت گفته بود که







هکرها احتمالا از چندین مسیر برای پیشبرد حملات خود استفاده کرده‌اند.<sup>۱</sup>

همچنین نشریه آمریکایی پولیتیکو نوشت: هکرها در ادامه حملات سایبری خود به مراکز مهم دولتی آمریکا، به شبکه‌های اینترنتی زرادخانه هسته‌ای و سازمان ملی امنیت هسته‌ای آمریکا نیز نفوذ کرده‌اند. این نشریه در ادامه افزود: مسئولان آمریکایی اعلام کردند که سازمان امنیت ملی هسته‌ای آمریکا و شبکه‌های زرادخانه هسته‌ای این کشور جزو نهادهای مهمی هستند که اخیرا هدف حملات سایبری قرار گرفته‌اند.<sup>۲</sup>

آسوشیتدپرس نیز در گزارشی، از ابعاد دیگری از این حمله سایبری بزرگ خبر داد و نوشت: «برخی از محرمانه‌ترین اسرار آمریکا، از جمله اسرار نظامی و هسته‌ای ممکن است در این عملیات سایبری هک شده باشند.»<sup>۳</sup>

### نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد حمله سان‌پرست می‌تواند باعث افزایش تنش‌ها شود. از آنجا که بیشترین اتهامات به سمت روسیه نشانه رفته است و «آمریکا نیز طی سال‌های گذشته مجموعه‌ای از تحریم‌ها علیه روسیه وضع و به تازگی هم اتهاماتی علیه هکرهای نظامی این کشور مطرح کرده است»، احتمال درگیری و تنش در این بستر بین دو رقیب بسیار زیاد است. با این حال، روسیه به وضوح نشان داده که هراسی ندارد و نمی‌خواهد از سرعت فعالیت‌های سایبری خود بکاهد. این مسئله تنش در روابط آمریکا و روسیه را تشدید می‌کند و در طولانی‌مدت به درگیری‌های جدی سیاسی خواهد انجامید. علاوه بر آن احتمال بروز واکنش‌های پیش‌بینی نشده از سوی دولت آمریکا و هم‌پیمانانش در فضای مجازی وجود دارد. حمله سایبری سان‌پرست نمونه بسیار خوبی از یک درگیری عمده مجازی میان کشورهای رقیب محسوب می‌شود. تشدید این زدوخورد ممکن است پیامدهایی جدی فیزیکی همراه داشته باشد. با توجه به تازگی موضوع، پیامدها و نتایج مخرب این هک گسترده هنوز رسانه‌های نشده است اما در آینده می‌تواند آغازگر پرونده‌های جدید امنیتی باشد.



1. <https://www.nytimes.com/>
2. <https://www.politico.com/section/magazine>
3. <https://www.ap.org/en-gb/#>



## شورای اهل حل و عقد و جایگاه آن در آینده افغانستان

### رویداد

گروه طالبان در مذاکرات صلح با آمریکا و دولت افغانستان دو خواسته را به عنوان خواسته‌های اصلی خود مطرح ساخته است، اول خروج آمریکا از افغانستان و دوم برپایی نظام اسلامی در این کشور. طالبان یکی از عناصر اساسی در تأسیس نظام اسلامی را تشکیل «شورای اهل حل و عقد» می‌دانند و مشروعیت رهبران خود - از ملا محمد عمر تا مولوی هبة الله آخوندزاده - را نیز ناشی از انتخاب ایشان توسط شورای اهل حل و عقد دانسته‌اند.<sup>۱</sup> تشکیل این شورا برای مشروعیت بخشی به دولت مجاهدین نیز مسبوق به سابقه در تاریخ سیاسی معاصر افغانستان است. اما در سوی دیگر مذاکرات، دولت بر نظام جمهوری و حفظ اصول دموکراتیک تأکید می‌کند. در این نوشتار بر آنیم که به چیستی مفهوم «اهل حل و عقد» و امکان رسیدن به یک تفاهم ملی حول مفهوم نظام اسلامی در افغانستان بپردازیم.

### تحلیل رویداد

#### الف) شورای اهل حل و عقد چیست؟

به صورت تاریخی نظریه اهل حل و عقد به انعقاد خلافت خلیفه اول و تئوریزه کردن آن مرتبط می‌شود<sup>۲</sup> اما بعدها و در طول سده‌های اولیه و میانی تاریخ اسلام، بیشتر ناظر به این امر بود که جمعی از عالمان شریعت بر سر انتخاب یک امیر اجماع کنند و این شیوه انتخاب به عنوان یکی از شیوه‌های مشروعیت حاکم نزد اهل سنت تلقی می‌شود. در لغت نیز حل (گشودن) و عقد (بستن، گره زدن) اشاره به این معنا دارد که اهل حل و عقد کسانی هستند که شایستگی حل و عقد امور مسلمین را دارند و به همین دلیل امیری برای رسیدگی به امور مسلمین انتخاب می‌کنند. در مورد تعداد و ویژگی‌های اهل حل و عقد نظرات بسیاری ابراز شده است. ابوالحسن ماوردی (متوفی ۴۵۰ ه.ق) که از بزرگ‌ترین اندیشمندان سیاسی و فقیهان تاریخ اهل سنت است و مورد احترام طالبان نیز می‌باشد<sup>۳</sup> انتخاب «اهل حل و عقد» را به عنوان یکی از دو صورت مشروع انعقاد امامت - در کنار ولایتعهدی امام مشروع پیشین - معرفی می‌کند و می‌گوید:

**«در انتخاب امام به واسطه اهل حل و عقد، فقیهان در حد نصاب افرادی که به**

۱. الإمامه دری، جهاد معاصر افغانستان از نگاه شریعت/ حیثیت جهاد امارت اسلامی پس از پیمان دوحه/ بخش ۱، ۱۸ اکتبر ۲۰۲۰؛ <http://alemarahdari.net/?p=90470>

۲. قادری، حاتم، اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران، سمت، ۱۳۹۱، ص ۱۴.

۳. الإمامه دری، «ویژگی‌های رهبری امارت اسلامی»، ۱۰ اوت ۲۰۲۰. <http://alemarahdari.net/?p=85514>



انتخاب آنان، امامت انعقاد می‌یابد اختلاف کرده و نظریه‌هایی گوناگون ابراز داشته‌اند... چون اهل حل و عقد برای برگزیدن گرد هم آیند، وضع شایستگان امامت را که از شروط لازم برای تصدی این مقام برخوردار هستند، بررسی می‌کنند و از میان آنها آن را که فضیلتی افزون‌تر و شروطی کامل‌تر دارد و مردم به فرمانبرداری او می‌شتابند و در بیعت با او درنگ روا نمی‌دارند برای بیعت برمی‌گزینند.<sup>۱</sup>

سپس بیان می‌کند که فرد منتخب شورا می‌تواند مسئولیت را نپذیرد چرا که «عقد امامت، قراردادی مبنی بر رضایت طرفین و نیز اختیار است.»<sup>۲</sup> و در این صورت اهل حل و عقد به سراغ نفرات دیگری که شایسته مسئولیت اداره جامعه مسلمین هستند، می‌روند. به گفته ماوردی و دیگر فقهای اهل سنت پس از بیعت اهل حل و عقد با حاکم، حاکمیت مشروع یگانه در جامعه اسلامی از آن او است. طالبان نیز در فرآیند تشکیل امارت اسلامی خود در سال ۱۳۷۵ از روند تشکیل شورای اهل حل و عقد برای انتخاب امیر استفاده کردند، با این تفاوت که آنها به دنبال انتخاب امیر و تشکیل امارت اسلامی در افغانستان بودند و نه انتخاب خلیفه و تشکیل خلافت برای همه سرزمین‌های اسلامی. مولوی وکیل احمد متوکل، وزیر امور خارجه حکومت طالبان، فرآیند انتخاب امیر در میان گروه طالبان را چنین شرح داده است:

«به تاریخ ۱۴ حمل ۱۳۷۵ تقریباً یک و نیم هزارتن از علمای دین در قندهار گرد هم آمدند و به اتفاق آراء، به ملا محمد عمر مجاهد در افغانستان به عنوان امیر المؤمنین بیعت کردند. شکل رهبری، امارتی و شورایی بود، اما چون تعداد اعضا و چارچوب مشخص برای عضویت وجود نداشت، این کار با مشکل مواجه بود.»<sup>۳</sup>

#### ب) اهل حل و عقد، نظام اسلامی و آینده سیاسی افغانستان

چنانچه گفته شد طالبان همچنان انتخاب امیر شرعی توسط اهل حل و عقد را از عناصر اصلی تشکیل نظام اسلامی می‌دانند و نیز معتقدند که حضور علمای شریعت در انتخاب رهبر جامعه، مایه مصونیت کشور است.<sup>۴</sup> در دولت مجاهدین این شورا به این شکل تأسیس شد که «بازیگران

۱. ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد، آیین حکمرانی، ترجمه حسین صابری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۱، ص ۲۶

۲. همان

۳. متوکل، مولوی وکیل احمد متوکل، افغانستان و طالبان، ترجمه وحید مژده، کابل، میهن کتابفروشی، ۱۳۸۴، ص ۲۵

۴. در سایت رسمی خود در این رابطه نوشته‌اند: «این کارنامه‌های بزرگی که به نام عالمان دین ثبت شده است، واضح می‌سازد که رهبری علما، می‌تواند حیثیت و عزت تاریخی ملت‌ها را اعاده و نگاه‌داری کند. این رهبری دینی





محوری انقلاب اسلامی در رأس جمعیت اسلامی افغانستان، بر بنیاد فیصله شورای رهبری مجاهدین در پیشاور، در پی آن شدند که شورای نمایندگان ملت را تحت عنوان شورای اهل حل و عقد گرد هم آورند، تا یک رهبری مشروع مبتنی بر اراده مردم، زمام امور را بدست گیرد، رهبری که براساس یک قرارداد بین ملت و رهبر عرض وجود می کند.<sup>۱</sup> متأسفانه دولت مجاهدین خیلی زود درگیر زد و خورد های داخلی شد و انتخاب ناشی از اجماع علمای شریعت اعم از پشتون و تاجیک و هزاره و ازبک و ... که می توانست اسلامیت و وحدت کشور را حفظ کند، دیری نپایید. در دوره طالبان هم چنانچه مولوی وکیل احمد متوکل در خاطرات خود آورده است حساب و نصاب مشخصی برای تشکیل امور شورایی نبود و شورای اهل حل و عقد اولیه برای انتخاب امیر هم بیشتر از یک قوم افغانستان یعنی پشتونها بودند و کمتر تلاش شده بود که شورایی فراگیر از عالمان اقوام گوناگون افغان کنار هم گرد آیند.

در خصوص آینده افغانستان باید توجه کرد که اگر بنا است گروه های مختلف حول مفهوم نظام اسلامی به یک نقطه مشترک برسند (فرا تر از اینکه نام آن امارت اسلامی یا جمهوری اسلامی باشد) باید به سه نکته توجه کنند:

اول اینکه انطباق قوانین با عقاید و اندیشه های اسلامی مد نظر قرار گیرد. البته هم اکنون و در قانون اساسی کنونی هم به این مسأله اشاره شده اما کسی متولی پاسداشت آن نیست. در ماده سوم قانون اساسی آمده است: «در افغانستان هیچ قانون نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.»

این مسأله میان اهداف مجاهدین (در سالهای جهاد) و طالبان مشترک است. می دانیم که احمد شاه مسعود در مذاکره با طالبان گفته بود: «تطبیق شریعت، آرامش افغانستان، تأمین عدالت و حفظ استقلال کشور از آرزو های دیرینه و حالم است.»<sup>۲</sup>

دوم اینکه در جامعه عمدتاً اهل سنت افغانستان مسأله اهل حل و عقد به معنای انتخاب رهبری جامعه توسط شورایی از علماء امری پذیرفتنی به نظر می رسد اما به شرط اینکه شورای علما حقیقتاً اقوام گوناگون کشور را نمایندگی کند و انتخاب آن از سوی اکثر مردم جامعه (با هر قومیتی) مورد پذیرش قرار گیرد. در قانون اساسی کنونی مذهب حنفی به عنوان مذهب اصلی (ماده ۱۳۰) و مذهب شیعه برای

قوت، ننگ، غیرت و تشخیص اصیل اسلامی کشور، را مصون ساخت. «الإمارة دری، جهاد بر ضد فساد و اشغال، و رهبری مثالی امارت/بخش چهارم و اخیر، ۱۷ فوریه ۲۰۲۰. <http://alemarahdari.net/?p=۷۶۴۶۴>

۱. سایت تلویزیون نور افغانستان، بمناسبت بیست و سومین سالگشت شورای اهل حل و عقد، ۱۲ دی ۱۳۹۴.

<http://www.nooraf.tv/>

۲. روزنامه ماندگار، در دیدار شهید مسعود با طالبان چه گذشت؟، ۱۸ شهریور ۱۳۹۶.

<https://mandegardaily.com/>





امور شخصیه شیعیان (ماده ۱۳۱) در نظر گرفته شده است و باید در آینده افغانستان نیز همین اشاره به حقوق اقلیت شیعه در قانون و انتخاب و فعالیتهای اجتماعی و سیاسی ذکر گردد.

سوم اینکه تحقق دو هدف گفته شده در بندهای پیشین میسر نمی‌شود مگر اینکه از تجربه مردم‌سالاری دینی در جمهوری اسلامی ایران بهره‌گیری شود و با تشکیل مجلسی انتخابی مانند مجلس خبرگان، عالمان شریعت از سرتاسر افغانستان در شورایی گردآمده و به انتخاب رهبری برای حفاظت از اصول اسلامی جامعه اقدام کنند و در زیر نظر آن رهبر نیز سایر مقامات انتخابی - در چارچوب شریعت اسلام - به وظایف قانونی خود پردازند. در چنان شرایطی افغانستان به مرور قابلیت‌های وسیع تاریخی و تمدنی خود را در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بروز داده و بالفعل خواهد کرد.

### نتیجه‌گیری

یکی از اصلی‌ترین گلوگاه‌های مذاکرات صلح بین الافغانی مسأله انتخاب رهبری جامعه است. طالبان با تأکید بر کلید واژه نظام اسلامی، بر انتخاب امیر توسط شورای اهل حل و عقد که یک مفهوم اساسی در فقه سیاسی اهل سنت است، تأکید می‌کنند و دولت نیز در نقطه مقابل بر حفظ جمهوریت و اصول دموکراتیک تأکید دارد. تشکیل شورای اهل حل و عقد در دولت مجاهدین و در انتخاب رهبری گروه طالبان مسبوق به سابقه است اما رسیدن جامعه کنونی افغانستان به شکلی از شورای اهل حل و عقد - به عنوان راهی برای شرعی بودن نحوه انتخاب حاکم - که مورد رضایت اکثر مردم افغانستان واقع شود و فرآیندی عادلانه را پشت سر بگذارد، بدون سه شرط ممکن نمی‌شود: اول، هم‌دل و هم‌سخن شدن نیروهای مختلف اسلام‌گرا در افغانستان در مورد ضرورت فعال کردن قوانینی نظیر ماده سوم قانون اساسی کنونی مبنی بر تطبیق قوانین با عقاید و احکام اسلامی؛ دوم حضور عالمان سطح یک همه اقوام و مذاهب در تشکیل شورای اهل حل و عقد و تصریح بر رعایت حقوق اقلیت مذهبی شیعه در افغانستان (نظیر ماده ۱۳۱ قانون اساسی کنونی)؛ و سوم بهره‌گیری از تجربه مردم‌سالاری دینی در جمهوری اسلامی ایران و تشکیل مجلس انتخابی خبرگان جهت حضور عالمان شریعت در انتخاب رهبری جامعه و فعالیت مقامات انتخابی اجرایی و ... در چارچوب شریعت اسلام و در زیر نظر رهبر منتخب از سوی شورای عالمان و خبرگان دینی.



## رویکرد بایدن در قبال ونزوئلا

### رویداد

طی هفته اخیر تحلیل‌ها و گمانه‌زنی‌های بسیاری درباره مدل رویارویی و سیاست‌های بایدن در قبال آمریکای لاتین، به خصوص ونزوئلا، در فضای مجازی منتشر شده است. برخی رسانه‌ها با استناد به داده‌های ارائه‌شده از سوی منابع نزدیک به تیم سیاست خارجی جو بایدن تلویحا اعلام کرده‌اند که دموکرات‌ها پس از استقرار در کاخ سفید، سیاست‌های ملایم‌تری در قبال ونزوئلا اتخاذ خواهند کرد. برخی دیگر نیز معتقدند این سیاست‌ها صرفا در موضوعات حقوق بشری تندتر خواهد شد. پایگاه خبری بلومبرگ به نقل از منابع محرمانه نزدیک به دولت بایدن گزارش داد که جو بایدن در حال آماده شدن برای مذاکره با دولت نیکلاس مادورو، رئیس جمهوری ونزوئلا، برای پایان دادن به «بحران انسانی» در این کشور است. نوشتار پیش رو به بررسی سیاست خارجی بایدن در قبال ونزوئلا خواهد پرداخت.

### تحلیل رویداد

ونزوئلا، کشوری با گنجینه‌های عظیم نفت و طلا، از بهمن ۱۳۹۷ (ژانویه ۲۰۱۹) با ابتلا به بحران سیاسی و اقتصادی به صحنه کشمکش راست‌گرایان و چپ‌گرایان تبدیل شد. هر کشوری با توجه به گرایش دولت خود سعی داشت نقشی در این صحنه پرخطر ایفا کند. در این میان آمریکا و برخی متحدانش در آمریکای لاتین بیش از دیگران برای دخالت در ونزوئلا از خود اشتیاق نشان دادند.

آمریکا در ونزوئلا در پی دستیابی به ذخایر نفتی است. در واقع کاخ سفید با دخالت در امور ونزوئلا قصد دارد آینده انرژی جهان را مدیریت کند. در وضعیتی که سیاست‌های عربستان سعودی کاملا هماهنگ با آمریکاست، اگر کشور دومی در زمینه انرژی همانند سعودی‌ها با آمریکا متحد راهبردی باشد، این کشور به راحتی خواهد توانست در زمینه انرژی، کشورهای روسیه، ایران و سایر دولت‌های مخالف آمریکا را تحت فشار بگذارد. از سوی دیگر نفت ونزوئلا برای پالایشگاه‌های آمریکا کاملا مناسب است و آمریکا با در اختیار داشتن این نفت می‌تواند هزینه‌های خود را تا حد زیادی کاهش دهد. در حقیقت آمریکای لاتین حیاط خلوت آمریکاست و ونزوئلا آخرین پل برای بازگشت کامل به این منطقه است.

دولت آمریکا از زمان باراک اوباما با اعلام تحریم‌های اقتصادی، ضربات سنگینی بر اقتصاد ونزوئلا وارد کرد که موجب نارضایتی‌های داخلی گسترده از حکومت سوسیالیستی این کشور شد.



آمریکا پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۸ و انتخاب مجدد نیکلاس مادورو، وارد فاز دخالت سیاسی در این کشور شد. ترامپ با حمایت از چهره اپوزیسیون، خوان گویبدو، تلاش کرد کودتایی سیاسی را علیه مادورو مدیریت کند. به طور کلی دولت دونالد ترامپ با اعمال تحریم‌های مالی و اقتصادی در قالب سیاست فشار حداکثری علیه ونزوئلا، در پی وادار کردن مادورو به کناره‌گیری از قدرت بود، اما نتوانست به این هدف دست یابد. دولت او با اینکه روزهای آخر حیات سیاسی خود را طی می‌کند، جمعه گذشته تحریم‌های جدیدی را علیه دو فرد و یک شرکت به بهانه نقش داشتن آنها در انتخابات ونزوئلا اعلام کرد.

با پیروزی جو بایدن در انتخابات ۲۰۲۰ ریاست جمهوری ایالات متحده، اغلب کارشناسان بر این باورند که رویکرد ایالات متحده نسبت به ونزوئلا تغییر خواهد کرد. بایدن در کارزار انتخابات، ترامپ را «یک توپ نابودگر» در روابط با نیم‌کره دیگر قاره آمریکا خواند. بایدن در سال ۲۰۱۹ که برای نامزدی ریاست جمهوری آماده می‌شد، در پاسخ به سؤال‌های شورای روابط خارجی گفته بود که هدف اصلی سیاست در قبال ونزوئلا، برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه است تا مردم ونزوئلا دموکراسی خود را بازبند و کشورشان را بازسازی کنند.

خبرگزاری بلومبرگ روز جمعه در گزارشی به نقل از سه منبع نزدیک به دولت جو بایدن، گفت که او در حال آماده شدن برای مذاکره با دولت نیکلاس مادورو، به منظور پایان دادن به بدترین رابطه تنش‌زای آمریکا در نیم‌کره غربی است. بر اساس این گزارش، این منابع که به علت ضرورت محرمانگی تیم در حال تشکیل برای مذاکره، خواسته‌اند نام‌شان فاش نشود، در این باره تصریح کردند که دولت بایدن قصد دارد برای انتخابات آزاد و عادلانه در ونزوئلا تلاش کند و در ازای آن، تحریم‌های آن کشور را تخفیف دهد.

چنین رویکردی به مذاکره با دولت ونزوئلا در تضاد با سیاست دولت فعلی آمریکاست که اصرار دارد فقط در شرایط تسلیم و ناچاری ناشی از فشارها با کاراکاس مذاکره کند. این منابع تأکید کرده‌اند تیم مشاوران رئیس جمهوری منتخب آمریکا در حال بررسی گزینه‌های موجود و اقدامات لازم در این زمینه با همکاری متحدان بین‌المللی خود هستند و اینکه اگر مادورو به سمت این «هدف دموکراتیک» حرکت کند چه اقداماتی، از جمله تخفیف تحریم‌ها را می‌توانند در دستور کار قرار دهند.

در طرف مقابل، سیگنال‌های بسیاری که ونزوئلا به آمریکا مخابره می‌کند، نشان می‌دهد که مادورو نیز مایل به مذاکره است. نیکلاس مادورو، رئیس جمهوری ونزوئلا، در کنفرانسی مطبوعاتی

۱. ونزوئلا روز ششم دسامبر (۱۶ آذر) انتخابات پارلمانی برگزار کرد که نتایج حاکی از آن است که حزب نیکلاس مادورو موسوم به حزب «سوسیالیست متحد ونزوئلا» و احزاب متحد رئیس‌جمهور این کشور موفق به کسب ۶۷ درصد از کرسی‌های پارلمانی شدند. آمریکا در ادامه تحرکات خود علیه دولت ونزوئلا، این انتخابات را متقلبانه خوانده و گفته است نتایج آن را به رسمیت نمی‌شناسد.







ضمن ابراز امیدواری از برقراری مذاکره با دولت آینده آمریکا گفته که امیدوار است با روی کار آمدن دولت بایدن، آنها زمانی را برای فکر کردن اختصاص دهند و راه گفت‌وگو با ایالات متحده باز شود. رئیس‌جمهوری ونزوئلا پیشتر نیز گفته بود در جهانی عاری از اقدامات قهرآمیز و زورگویی آمریکا، آماده برقراری بهترین روابط بر پایه احترام و همکاری متقابل با واشنگتن است.

### نتیجه‌گیری

مهم‌ترین کشور حوزه آمریکای لاتین برای آمریکا، به خصوص دموکرات‌های کاخ سفید، ونزوئلاست. به نظر می‌رسد در رویکرد آمریکای دوران بایدن نسبت به ونزوئلا تجدید نظرهای مختلفی صورت خواهد گرفت، ولی باید دید که آیا مادورو و سوسیالیست‌های ونزوئلا وارد مذاکره با تیم بایدن می‌شوند یا خیر. ممکن است دموکرات‌ها و مادورو بر سر انتخابات مجدد در ونزوئلا با یکدیگر به توافق برسند یا دست‌کم وارد مذاکره شوند، اما نکته‌ای که در اینجا باید مد نظر قرار بگیرد این است که مادورو به دنبال ایجاد یک حاشیه امن برای خود است. رئیس‌جمهوری ونزوئلا و سوسیالیست‌هایی که در کنار او در رأس قدرت این کشور قرار دارند، به دنبال آن هستند تا اطمینان حاصل کنند که اگر چرخش قدرت در کشورشان به وجود آمد، هیچ تهدیدی متوجه آنها نخواهد بود. به این علت آنها به دنبال یک فضای امن در صورت برگزاری مجدد انتخابات برای خود می‌گردند. بر این اساس هنوز انجام مذاکره مجدد میان آمریکا و ونزوئلا مشخص نیست؛ زیرا انبوهی از اخبار درست و غلط در فضای مجازی منتشر شده است که نمی‌توان آنها را قطعی دانست. به طور کلی بایدن سیاستی ملایم‌تر از ترامپ در قبال این جغرافیا به کار خواهد بست؛ چنان که یک سرخ‌پوست را به عنوان وزیر کشور آمریکا منصوب کرده است. همین مسئله می‌تواند گویای بهبود احتمالی روابط واشنگتن با کشورهای آمریکای لاتین باشد.





## برگزیت و خیز جدایی‌طلبان اسکاتلندی

### رویداد

توافق برگزیت سرانجام در روز ۲۴ دسامبر ۲۰۲۰، با گذشت چهار سال و نیم از همه‌پرسی ۲۰۱۶ میلادی که اکثر مردم بریتانیا به جدایی از اتحادیه اروپا رأی دادند و پس از چندین دوره مذاکره بر سر مسائل تجاری دوجانبه پس از دوره گذار از این توافق، به امضا رسید. یک ساعت پس از اعلام توافق توسط بوریس جانسون، نیکولا استورجن، وزیر اول اسکاتلند، در توئیتر نوشت که اکنون نوبت اسکاتلند است که به «کشوری مستقل و عضو اتحادیه اروپا» تبدیل شود. نوشتار پیش رو به بررسی روند تمایلات استقلال‌خواهی اسکاتلند و تأثیر توافق برگزیت بر آن خواهد پرداخت.

### تحلیل

«پادشاهی متحد بریتانیا» به عنوان کشوری چند بخشی که از سرزمین اسکاتلند، ولز، ایرلند شمالی و سرزمین اصلی انگلیس تشکیل شده، همواره با خطر تجزیه مواجه بوده است. در بریتانیا، به غیر ولزی‌ها که افرادی درون‌گرا و محافظه‌کار هستند، اسکاتلند و ایرلند شمالی همیشه داعیه جدایی‌طلبی خود را حفظ کرده‌اند. در میان مردم این دو کشور، همواره افراد و گروه‌هایی، از هر فرصتی برای بیان حس ملی‌گرایی و جدا شدن از اتحاد بریتانیا استفاده می‌کنند؛ حسی که گاهی با درخواست همه‌پرسی عمومی بیان می‌شود و گاهی هم با اعتراضات خیابانی، حمله به نیروهای پلیس و اقدامات خشونت‌آمیز همراه می‌شود.

لازم به ذکر است شرایط سرزمینی ایرلند شمالی از بسیاری جهات با اسکاتلند متفاوت است. ایرلند شمالی از نظر سرزمینی در جزیره‌ای جداگانه در همسایگی جمهوری ایرلند قرار دارد. اما اسکاتلند در شمال کشور انگلستان قرار گرفته و در یک خاک مشترک با هم همسایه هستند.

نآرامی‌های سال ۲۰۱۳ در ایرلند شمالی حاصل هم‌وردی اتحادگرایان طرفدار پادشاهی بریتانیا با جمهوری خواهان یا به عبارتی، ملی‌گرایان جدایی‌طلب بود. اما اهالی این منطقه به دلیل شکاف مذهبی با ایرلند جنوبی، تا چند سال اخیر، از وحدت با بریتانیا حمایت کرده‌اند. از طرف دیگر حزب دست راستی مانند شین فین، پایگاه اجتماعی قابل ملاحظه‌ای در مقایسه با حزب لیبرال دموکرات ندارد و به این دلیل در ایرلند شمالی جنبش استقلال‌طلبی برجسته‌ای شکل نگرفته است.

اسکاتلند از دیگر مناطق جدایی‌طلب بریتانیا است که در سال‌های اخیر توانسته است گام‌هایی به سوی استقلال بردارد. در دریای شمال، در آب‌های ساحلی اسکاتلند ذخایر مهم نفت و گاز



وجود دارد. گلاسگو بزرگ‌ترین شهر اسکاتلند، از شهرهای مهم صنعتی بریتانیا محسوب می‌شود. بیشتر موشک‌ها و زیر دریایی‌های هسته‌ای انگلیس در اسکاتلند مستقر است. بنابراین، اسکاتلند برای بریتانیا بسیار حائز اهمیت است.

روابط نسبتاً خوب میان اسکاتلندی‌ها با دولت مرکزی تا روی کار آمدن مارگارت تاچر که نماد ضدیت با هویت تاریخی اسکاتلندی‌ها شناخته شد، پابرجا بود. اقدامات و روش تاچر، روحیه ملی‌گرایانه و استقلال‌خواهی را در اسکاتلند برانگیخت و به بی‌اعتمادی‌ها نسبت به انگلیس و سیاستمداران لندن در میان نسل جوان دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی دامن زد. به این ترتیب نسل تازه‌ای شکل گرفت که رؤیای استقلال اسکاتلند را ایدئولوژی خود می‌دانست. با تصویب قانونی در پارلمان بریتانیا در سال ۱۹۹۸، اسکاتلندی‌ها دارای پارلمان محلی و دولت شدند؛ اما ملی‌گرایان همواره خواستار وحدت انگلستان و کسب استقلال حقوقی کامل بوده‌اند.

به رغم اتحاد سیاسی یاد شده، اسکاتلند دارای نظام حقوقی و آموزشی مستقل از انگلیس، ایرلند شمالی و ولز است. اما در امور سیاسی بین‌المللی این بریتانیا است که به عنوان یک کشور عمل می‌کند. همچنین حدود ۹۰ درصد از درآمدهای نفتی و گازی در دریای شمال مربوط به حوزه اسکاتلند است. دولت محلی اسکاتلند مایل است که تمام دارایی‌ها و منابعش را در اختیار خود بگیرد.

از این رو، حزب ملی اسکاتلند که هدف اصلی‌اش استقلال اسکاتلندی‌ها است، به دنبال پیروزی در انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۱۱، مشروعیت لازم را برای برگزاری همه‌پرسی استقلال به دست آورد. این همه‌پرسی در ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۴ برگزار شد که در نهایت با رأی منفی بیش از ۵۰ درصد، اسکاتلند به عنوان بخشی از بریتانیا باقی ماند. به رغم شکست این همه‌پرسی، جامعه اسکاتلند بیش از گذشته دو قطبی شد و این وضعیت، ظرفیتی را فراهم ساخت تا در شرایط دیگر به اشکال مختلفی بروز و ظهور کند.

در سال ۲۰۱۶ در نتیجه همه‌پرسی برگزیت، ۶۲ درصد رأی دهندگان اسکاتلندی خواهان ماندن در اتحادیه اروپا بودند. این اتفاق برای حزب ملی اسکاتلند به معنای تغییر ماهوی در شرایط بود که برگزاری مجدد همه‌پرسی استقلال را توجیه کند. چرا که اسکاتلند «برخلاف خواسته‌اش» در شرف خروج از اتحادیه اروپا بود. از این زمان به بعد، حزب ملی اسکاتلند تلاش برای همه‌پرسی مجدد را افزایش داد؛ اما هر بار با مخالفت مقامات انگلیس مواجه شد. حامیان برگزاری همه‌پرسی مجدد در مورد حق تعیین سرنوشت اسکاتلند معتقدند که رأی انگلیسی‌ها به خروج از اتحادیه اروپا، اوضاع را تغییر داده و این منطقه مایل است که در اتحادیه اروپا باقی بماند. اسکا‌ت‌های جدایی طلب تاکنون چندین تظاهرات اعتراضی با حضور ده‌ها هزار شرکت‌کننده برگزار کرده و فریاد استقلال‌طلبی سر داده‌اند.





بریتانیا در اوایل سال ۲۰۲۰ از اتحادیه اروپا خارج و مقرر شده بود که تا پایان این سال، در زمینه امور تجاری توافقاتی میان دو طرف انجام شود. مذاکرات این توافق بارها انجام شد؛ اما هر با شکست مواجه می‌شد. تا اینکه در ۲۴ دسامبر، جانسون از توافق با اتحادیه اروپا خبر داد. یک ساعت پس از اعلام توافق تجاری بریتانیا با اتحادیه اروپا، نیکولا استورجن، وزیر اول اسکاتلند، به سرعت خواستار همه‌پرسی مجدد برای جدایی از بریتانیا شد و به نوعی حجت را بر بریتانیا تمام کرد. وی در توییت نوشت که قبل از شروع هر چیزی، برگزیت بر خلاف میل اسکاتلند اتفاق افتاد و هرگز هیچ معامله‌ای وجود ندارد که آنچه برگزیت از ما می‌گیرد را جبران کند. او همچنین گفت که اسکاتلند به هیچ توافقی رأی نداده است و موضع آنها روشن‌تر از هر زمان دیگری است و اسکاتلند حق دارد آینده خود را به عنوان یک کشور مستقل انتخاب کند و مزایای عضویت در اتحادیه اروپا را بازابد. لازم به ذکر است که اسکاتلند با ۶۳ درصد رأی منفی به برگزیت در همه‌پرسی سال ۲۰۱۶، خواهان ماندن در اتحادیه اروپا بود.

اسکاتلندی‌ها که این توافق را خلاف منافع سرزمینی خود می‌دانند و از آن بسیار ناراضی هستند، احساس می‌کنند که در مقابل زیاده‌خواهی و تبعیض دولت مرکزی لندن تنها مانده‌اند. همچنین مقامات محلی اسکاتلندی به شدت به خاطر نادیده گرفته شدن از سوی دولت جانسون در طول مذاکرات ناراحت هستند. واقعیت این است که این توافق موج گسترده‌ای از ناامیدی را در میان اسکات‌ها ایجاد کرده است. اسکاتلند قرار است در ماه می سال ۲۰۲۱، انتخابات مجلس قانونگذاری در ادینبورگ را برگزار کند. نظرسنجی‌ها حاکی از آن است که حزب ملی اسکاتلند به رهبری استورجن می‌تواند اکثریتی را کسب کند که موضوع وی برای برگزاری همه‌پرسی استقلال را تقویت می‌کند. این امر باعث تشدید اختلافات میان لندن و ادینبورگ خواهد شود.

### نتیجه‌گیری

توافق برگزیت راه استقلال اسکاتلند را باز خواهد کرد. اسکات‌ها حداقل به لحاظ ذهنی، روند تبدیل شدن به یک دولت - ملت مستقل را پیموده‌اند. بنابراین، می‌توان چشم‌انداز چالش‌برانگیزی را برای حفظ ساختار بریتانیا در آینده پیش‌بینی کرد. جانسون هنوز در مقابل مواضع استورجن موضعی نگرفته است. اما ممکن است او نیز مانند ترزا می بگوید «الان وقتش نیست». به این ترتیب، او تلاش خواهد کرد که حزب ملی اسکاتلند را با چالش‌های طرفداری جدایی از انگلیس مواجه سازد.

انتخابات مجلس اسکاتلند در سال ۲۰۲۱ بسیار تأثیرگذار خواهد بود. اگر مردم اسکاتلند همچنان به حزب ملی اسکاتلند رأی بدهند، حفظ موضع انگلیس از نظر دموکراسی غیرممکن و خودداری از تصویب رفراندوم استقلال تنها باعث تشدید نارضایتی خواهد شد. از سوی دیگر،





هدف نیکولا استورجن، پیروزی در همه‌پرسی است و نه صرفاً برگزاری آن. در مجموع، به نظر می‌رسد که جانسون ممکن است که در توافق تجاری برگزیت، در آخرین لحظات، پیروز شده باشد؛ اما در ماه‌های آینده با نبرد اسکاتلند رو به رو می‌شود که می‌تواند جهت آینده بریتانیا را مشخص کند. مختصات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک اسکاتلند نشان می‌دهد که استقلال این منطقه از بریتانیا چگونه می‌تواند موجب تضعیف جایگاه این کشور در نظام بین‌الملل شود. رأی مثبت اسکات‌ها به استقلال می‌تواند جایگاه انگلیس را در نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای مانند شورای امنیت سازمان ملل و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با تهدید مواجه کند.



## چشم‌انداز مناسبات روسیه و آمریکا در دوره جو بایدن

### رویداد

با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا و انتخاب جو بایدن، گمانه‌زنی‌های زیادی در خصوص رویکرد جدید آمریکا به روسیه در دوره بایدن مطرح شده است که این سؤال را ایجاد می‌کند که آیا مناسبات دو طرف به سمت تنش بیشتر حرکت می‌کند یا به سمت همکاری؟

نوع مناسبات روسیه و آمریکا در مواضع برخی کشورها، از جمله جمهوری اسلامی ایران در قبال مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار است و به همین دلیل از اهمیت خاصی برخوردار است. بر این اساس، در یادداشت زیر درصدد هستیم به سؤال فوق پاسخ دهیم.

### تحلیل رویداد

گزینه مطلوب روس‌ها در این دوره نیز مانند دوره قبل ترامپ بود و نظر خوبی نسبت به روی کار آمدن بایدن نداشتند. تبریک دیرهنگام پوتین به بایدن که بیشتر ناشی از نارضایتی روس‌ها و اتهام دخالت در انتخابات آمریکا است، یکی از نشانه‌های این نارضایتی است. جالب آنکه برخی مسئولان روسی در حمایت از ترامپ پا را فراتر گذاشتند و از او خواستند مقاومت کند.

دوایر تصمیم‌گیری روسیه معتقدند با آمدن بایدن تنش در روابط دو کشور افزایش خواهد یافت و روابط سردتر از گذشته خواهد شد. از نظر آنها، روی کار آمدن بایدن یعنی حضور فعال آمریکا در حوزه‌های نزدیک روسیه، دخالت فعال در پرونده اوکراین، بلاروس، ارمنستان و حتی قره‌باغ به علت رویکرد غربی پیشینیان، به جریان انداختن بحث‌های حقوق بشری و حمایت از مخالفان پوتین مثل ناولنی، دخالت مستقیم و فعال در خاورمیانه و تضعیف نقش روسیه در سوریه، لیبی، ایفای نقش فعال‌تر در آینده سیاسی سوریه و گرفتن محوریت حل بحران سوریه از روس‌ها و حمایت از جریان کردی و گروه‌های افراطی.

برای روس‌ها گزینه ترامپ ضعیف‌شده بهتر از بایدن است. این مسئله آنقدر برای روس‌ها اهمیت داشت که طی آشوب‌ها و شورش‌های داخلی آمریکا اقدام خاصی علیه این کشور نکردند. با اینکه فرصت خوبی برای افزایش اعمال فشار و طرح مسائل حقوق بشری برای روسیه فراهم شده بود، ولی ترجیح داد در برابر آن سکوت کند. مقامات روس به خوبی می‌دانند که ترامپ باعث افزایش اختلافات داخلی آمریکا و مانع وحدت آمریکا و اروپا در مسائل بین‌الملل و ایجاد شکاف بین کشورهای اروپایی در مقابل روسیه شد. این موضوع کمک بزرگی به روسیه برای جلوگیری از



شکل‌گیری یک جبهه واحد علیه این کشور بود.

بایدن زمانی که در مجلس سنا بود، همواره از سیاست‌های روسیه انتقاد می‌کرد؛ در عین حال جلوی تصویب قوانینی مثل اصلاحیه تحریم‌های تجاری جکسون-وانیک را که برای روسیه بسیار حائز اهمیت بود، می‌گرفت تا بر مسکو فشار بیاورد و این کشور را وادار کند به خواسته‌های آمریکا تن دهد. بایدن به عنوان یکی از طرفداران پروپاقرص گسترش ناتو، در موضوع اوکراین نیز به عنوان نماینده او با ما از تلاش‌های کی‌یف برای خروج از حلقه ژئوپلیتیکی روسیه حمایت می‌کرد. او از معدود سیاستمداران دموکرات حامی تولید نفت و گاز آمریکاست؛ از این رو همواره به دنبال راهی برای کاهش نفوذ روسیه در حوزه انرژی به ویژه در اروپا بوده است. جو بایدن که روز ۲۰ ژانویه ۲۰۲۱ به عنوان رئیس‌جمهور جدید آمریکا سوگند یاد می‌کند، در حوزه مسائل خارجی یک تازه‌وارد ایده‌آل‌گرا یا ساده‌لوح نیست، بلکه پیش‌کسوتی است که به خوبی اولویت‌ها و چشم‌اندازهای آینده را می‌شناسد و می‌داند تلاش‌های او با ما برای بازنگری در روابط با روسیه که در سال ۲۰۰۹ آغاز شد، به جایی نرسیده است.

تقریباً همه گزینه‌هایی که بایدن برای پست‌های مهم امنیت ملی در دولت خود در نظر دارد با او در مورد این مسائل اتفاق نظر دارند. به عبارت دیگر، اکثریت اعضای تیم او کسانی هستند که نسبت به همکاری با مسکو بدبین هستند. کامالا هریس، معاون اول بایدن، تأکید کرده است که «همواره در دفاع از ارزش‌های دموکراتیک، حقوق بشر و حاکمیت قانون بین‌الملل در برابر پوتین خواهد ایستاد». آنتونی بلینکن، گزینه بایدن برای تصدی وزارت امور خارجه، بر اهمیت «تضعیف نقش سیاسی روسیه در معجام بین‌المللی و انزوای سیاسی این کشور» تأکید کرده است. انتظار می‌رود بلینکن و جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی بایدن، و سایر مقامات برجسته در دولت جدید همگی رویکرد سخت‌گیرانه‌تری در قبال روسیه اتخاذ کنند.

از سوی دیگر بایدن مثل ترامپ در مظان اتهام نیست و می‌تواند بدون ترس از متهم شدن به تباری با روسیه، ژست‌های آشتی‌جویانه بگیرد و به مسکو امتیاز بدهد. او ثابت کرده است که رگه‌هایی از پراگماتیسم در خود دارد و شاهدش این است که در تیم امنیت ملی او با ما همواره به عنوان صدای میانه‌رو و احتیاط شناخته می‌شد. با این حال دولت بایدن احتمالاً تلاش می‌کند آزادی عمل روسیه را در عرصه جهانی کاهش دهد. کرملین چهار سال با موفقیت از نگرانی‌ها و دغدغه‌های جهانی درباره پیش‌بینی ناپذیری و غیرقابل اعتماد بودن ترامپ استفاده کرد تا متحدان اصلی آمریکا در اروپا و آسیا را قانع کند که همه تخم‌مرغ‌های خود را در سبد آمریکا قرار ندهند و به خاطر این کشور روابط خود را با روسیه بر هم نزنند.

با این حال انتظار می‌رود بایدن بخشی عمده از آسیبی را که ترامپ به روابط آلمان و آمریکا







وارد کرده بود، جبران کند و اتحاد میان دو کشور در مقابله با روسیه را که در زمان او با ما به اوج خود رسیده بود، دوباره احیا کند. برلین و واشنگتن در دوران او با ما در زمینه تحریم و کاهش نفوذ اقتصادی روسیه به اتفاق نظر رسیده بودند و این مسئله شامل توقف داوطلبانه پروژه انتقال گاز نورد استریم ۲ از سوی آلمان می‌شد. اگر دولت بایدن موفق شود تنش در روابط میان آمریکا و چین را کاهش دهد، شاید این مسئله بخشی از منافع پکن در حمایت از مسکو را کم کند؛ به ویژه اگر بایدن بتواند آسیب‌های ناشی از جنگ تجاری ترامپ علیه چینی‌ها را تا حدی جبران کند.

علاوه بر این انتظار می‌رود دولت بایدن تلاش‌های دیپلماتیک برای همکاری با ایران، کاهش ارزش روسیه برای جمهوری اسلامی و همکاری دوباره در سوریه را از سر بگیرد. بایدن احتمالاً در راستای تکمیل پروژه نیمه‌تمام دولت او با ما تلاش‌های خود را برای وارد کردن جمهوری‌های شوروی سابق به جمع کشورهای غربی بیشتر می‌کند. دولت جدید آمریکا قدرت اقتصادی و دیپلماتیک خود را برای مقابله با تلاش‌های روسیه در اقصی نقاط جهان، از بلاروس تا ونزوئلا، به کار می‌گیرد.

بنابراین دولت بایدن با احیای جایگاه آمریکا در جهان هیچ منفعتی برای روسیه نخواهد داشت و کرملین نیز که چیزی برای از دست دادن ندارد، امیدوار است آشفتگی سیاسی در داخل آمریکا بتواند در نخستین ماه‌های سال ۲۰۲۱ تیم بایدن را مشغول کند و بخشی عمده از انرژی آن را بگیرد.

درست است که دولت بایدن تلاش می‌کند با روسیه به توافق جدیدی در حوزه کنترل تسلیحات برسد، اما نگرش غالب این است که کنترل تسلیحات به نفع روسیه هم هست و به همین دلیل نباید با کاهش تحریم‌ها یا وعده عدم مداخله در پروژه‌های انرژی روسیه مثل نورد استریم ۲ تلاشی برای جذاب‌تر کردن توافق با مسکو انجام شود. کرملین نیز با این رویکرد بعید است انرژی زیادی را صرف تلاش برای همکاری با دولت بایدن کند؛ اما قطعاً در مورد روابط مهم خود با سایر کشورها نگران است و برای محافظت از آنها در برابر مداخله آمریکا تلاش خواهد کرد.

### نتیجه‌گیری

در روسیه نظرات و دیدگاه‌های مختلفی نسبت به چشم‌انداز مناسبات روسیه و آمریکا در دوره بایدن مطرح می‌شود که نشان‌دهنده ابهام در این خصوص به علت داشتن ذهنیت منفی به سابقه دموکرات‌ها نسبت به روسیه است؛ اما بی‌شک در آمریکای دوره بایدن شاهد تنش بیشتر در مناسبات طرفین خواهیم بود.

خطری که وجود دارد این است که با خروج دونالد ترامپ، شرکای آمریکا که تا کنون در برابر تلاش‌های واشنگتن برای کاهش روابط خود با روسیه مقاومت می‌کردند، اکنون می‌توانند راحت‌تر با دولت بایدن کنار بیایند. کرملین برای جلوگیری از این مسئله ممکن است مجبور شود نه تنها در





برابر دولت‌های دیگر (از جمله در برابر امانوئل مکرون و آنگلا مرکل در مسئله اوکراین)، بلکه در برابر شرکت‌های بزرگ چندملیتی و سرمایه‌گذاران بین‌المللی انعطاف بیشتری از خود نشان دهد. از این رو احتمالاً روسیه تلاش می‌کند با توقف برخی اقدامات خود، بهانه به دست سایر کشورها و شرکت‌ها برای بازنگری در روابط خود با این کشور ندهد.

در عین حال در شرایطی که کرملین درگیر مسائل مربوط به دوران گذار از پوتین است. از جمله اصلاح ساختار سیاسی کشور، پیدا کردن جایگزینی برای پوتین در درازمدت و تلاش برای سرعت بخشیدن به پروژه‌های ملی با هدف احیای اقتصاد روسیه. ممکن است مسکو به این نتیجه برسد که در روابط با آمریکا نباید دردسر جدیدی ایجاد کند. در مقابل اگر تیم بایدن به این نتیجه برسد که برای احیای آمریکا در دوران پسا کرونا به یک دوره صلح و آرامش نیاز دارد، آن وقت شاید مسکو و واشنگتن بتوانند در خصوص «ثبات راهبردی» با یکدیگر مذاکره و همکاری کنند و فرآیند تنش‌زدایی در سوریه را در مورد سایر نقاط حیاتی جهان نیز اجرا کنند. البته موضوعات امنیتی بخشی عمده از مذاکرات و مناسبات دو کشور را به خود اختصاص خواهد داد. موضوع «تمدید قرارداد کاهش تسلیحات راهبردی تهاجمی استارت ۳»، پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد (INF)، پیمان «آسمان باز»، استقرار سپر دفاع موشکی ناتو در اروپا و آسیا مهم‌ترین موضوعاتی هستند که توافق درباره آنها افق و چشم‌انداز مناسبات دو کشور را تعیین خواهد کرد.

